

۷۱۸۹

احتمالاً استاد را در این زمان

چندین نفر از آقایان دکتر ابوالحسن محمدی

و دیگران در این زمان

چندین نفر از آقایان دکتر درودپیمان

و دیگران در این زمان

پیشگفتار

در تاریخ مکتوب و مدون نامی از مستضعفان نیست. مدار ابواب و فصول کتب تاریخی شاهان و امیران و وزیران و چون نیک بنگریم همان مستکبران اند. امری که کمتر بدان تذکر آمده این است که تاریخ را - مستضعفان ساخته است. عنایت کتب تاریخی به صاحبان شوکت و قدرت و غفلت آنان از مستضعفین به حقیقت غفلت از حقیقت تاریخ. آنچه از نیاکان برای ما برجای مانده است با عیبی جبین و خون دل اکثریت محروم جماعات گذشته تکوین یافته است هر چند که قصری شاهنشاهی باشد و یا در خزینه سلطانی نگهداری شود. حاصل آنکه تاریخ سرگذشت غصب حقوق مستضعفان توسط مستکبران است. در این میان تنها کسانی که پشت به مستکبران کرده و روی به مستضعفان آورده اند و مردم را به قسط دعوت کرده اند

پیغمبران انسد .

( لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس  
بالقسط )

دیانت مقدس اسلامی جهت احقاق حقوق مستضعفین  
به تفصیل احکام غصب و چگونگی مجازات غاصب را بیان نموده است  
و اینک این مختصر اجمالی است از آن تفصیل تا چه قبول افتد  
وجه در نظر آید .

خرداد ماه سال ۱۳۶۱

یوسفی

## فهرست مطالب

## فصل اول "تعریف غصب"

صفحه ۱	معنی غصب در لغت و اصطلاح	مبحث اول :
۲	تعریف غصب از نظر فقه و قانون	گفتار اول :
۷	اختلاف مذاهب در تعریف غصب	گفتار دوم :
۱۰	ما حصل بحث	<del>گفتار سوم :</del>
۱۱	شرایط تحقق غصب	مبحث دوم :
۱۳	استیلاء	گفتار اول :
۱۵	سلطه عملی	گفتار دوم :
۱۶	حق یا مال بودن مورد غصب	گفتار سوم :
۱۹	تعلق حق یا مال بغير	گفتار چهارم :
۲۰	عدوان	گفتار پنجم :
۲۶	انواع غصب و ب	مبحث سوم :
۲۷	غصب عقالر	گفتار اول :
۳۶	غصب در منقذول	گفتار دوم :
۳۷	غصب منافع	گفتار سوم :
۳۹	غصب حیوان	گفتار چهارم :



- گفتار دوم : ضمان عین ————— صفحه ۹۴
- گفتار سوم : نقص وعیب ————— ۱۰۰
- مبحث سوم : تعریف مال مثلی ————— ۱۰۳
- گفتار اول : مال مثلی و قیمتی ————— ۱۱۰
- گفتار دوم : تلف مال مثلی ————— ۱۱۴
- گفتار سوم : شک در قیمت یا مثلی بودن ————— ۱۱۷
- گفتار چهارم : تلف مال قیمتی ————— ۱۱۸
- فروع مسئله ————— ۱۲۷
- مبحث چهارم : موارد دادن بدل حیوانی ————— ۱۳۲
- گفتار اول : ضمان منفعت ————— ۱۳۸
- فصل سوم
- مسئولیت تضامین متعدد ————— ۱۴۳
- گفتار اول : ضمان ایادی متعدده ————— ۱۴۶
- گفتار دوم : دلایل موافق و مخالف امکان ضمان ایادی متعدد در غضب ————— ۱۴۹
- مبحث اول : شکی واحد —————
- مبحث اول : موارد تعاقب ایادی ————— ۱۵۴
- گفتار اول : غضب از غضب ————— ۱۵۴

صفحه ۱۵۸	خریداری مال مخصوب از غاصب با حسن نیت یا بعلم به غصبی بودن آن	: گفتار دوم
۱۵۹	خریداری به حسن نیت	: الف
۱۶۱	خریداری مخصوب به علم به غصبی بودن آن	: ب
۱۶۳	استمرار تضامن	: مبحث دوم
۱۶۳	تضامن ایادی نسبت به تلف عین	: گفتار اول
۱۶۴	تضامن ایادی نسبت به تلف منفعت	: گفتار دوم

۲

### فصل چهارم

۱۷۰	حقوق غاصب در مال مخصوب	
۱۷۰	احداث اعیان در عرصه مخصوب	: گفتار اول
۱۷۹	زرع و غرس	: گفتار دوم
۱۸۲	اختلاط مال غاصب با عین مخصوبه	: گفتار سوم
۱۸۶	زیاد شدن قیمت مخصوب در اثر فعل غاصب	: گفتار چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اطهارين ولعنة الله  
على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين .

### فصل اول

تعريف، غصب

مبحث اول : معنى غصب در لغت واصطلاح .

غصب از نظر لغوی ، فقهی و حقوقی ، اصطلاحی دارای معانی متعدد است ، که —  
غالباً به نحو عموم و خصوص بوده و بعضی از معانی آن مندرج در معنی عام تر و شاملتر  
دیگری از همین کلمه است .

در قاموس غصب " گرفتن مال غیر به نحو ظلم " معنی شده . ( ۱ )

ساحب صحاح اللغة میگوید : " غصب عبارت از گرفتن مال غیر به نحو ظلم و ستم " ( ۲ )

در المنجد ذکر است " غصب غصباً علی الشیء قهره والشیء اخذه قهراً فهو —

غاصب " ( ۳ )

فرهنگ عمید ، در معنی غصب می نویسد : غصب ( به فتح عین و سکون صاد ) مال

کسی را به زور و ستم و خلاف میل و رضای او تصرف کردن . ( ۴ )

در ترمینولوژی حقوق ذکر است " غصب تصرف در مال غیر است به نحو عدوان " ( ۵ )

فرهنگ نوین غصب را به زور و فشار معنی کرده ، یعنی مال کسی را به زور و ستم و خلاف

میل و رضای او تصرف کردن . ( ۶ )

( ۲ ) صحاح اللغة تألیف جوهری

( ۱ ) فرهنگ فیروزآبادی ( قاموس )

( ۴ ) فرهنگ حسین عمید

( ۳ ) المنجد صفحه ۵۵۳

( ۶ ) فرهنگ ( نوین ) عربی - فارسی

( ۵ ) ترمینولوژی حقوق صفحه ۴۹۱



گفتار اول : تعریف غصب از نظر فقه و قانون

صاحب مفتاح الکرامه رحمت الله علیه در تعریف غصب میفرماید : غصب گرفتن مال غیر است به نحو ظلم . بزرگوار علاوه مینماید ، آشکار گرفتن مال غیر در عرف جزو لوازم — غصب است . ( ۱ )

بدین معنی مالیکه به نحو پنهانی و سرقت تصاحب شود عملاً " مغصوب ، نامیسده نمیشود و آن را در عرف مجزا از غصب می پندارند .

صاحب مفتاح الکرامه از ابن اثیر روایت می کند " که غصب به همین معنی عام که دلالت به اخذ شیئی به نحو ظلم دارد " در حدیث ( روایات ) به کثرت تکرار شده چنانکه دیده میشود این معنی امرعام و شاملی را تعریف می کند که اضافه بر غصب هر نوع اخذ ظالمانه مال را هم شامل میشود که غیر از غصب مصطلح در فقه است .

البته یکی از فقهای بزرگوار یعنی علامه رحمت الله علیه دقیقاً در کتاب معروف خود — ( تذکره ) غصب را به همین معنی تعریف کرده . وی میفرماید " غصب اخذ مال غیر است به نحو تعدی " ( ۲ )

ولکن همین فقیه بزرگوار در کتاب معروف دیگرش ( قواعد ) غصب را به استقلال ید بر مال غیر بد نحو عدوان تعریف کرده . ( ۳ )

( ۱ ) مفتاح الکرامه جلد شش صفحه ۲۰۴

( ۲ ) تذکره جلد دوم صفحه ۳۸۰

( ۳ ) قواعد علامه صفحه ۷۵

شهید اول رحمت الله علیه در تعریف غصب میفرماید : هو الاستقلال باثبات الید علی

مال الغیر عدواناً . ( ۱ )

یکی از فقهای بزرگوار احناف صاحب فتح القدیر ، در تعریف غصب میفرماید : —

الغصب فی اللغة اخذ شیء من الغیر علی سبیل التغلب ( ۲ )

تعریف دیگری که برای غصب ارائه شده این است که " استیلا بر مال غیر بغیر حق " ایمن

تعریف با غصب مورد اصطلاح تفاوتی دارد بدین معنی که تعریف مذکور بر تمامی مواردی که

انسان بر حق غیر تسلط پیدا کند و از طریق مشروع نباشد شامل میگردد بنا بر این تعریف

مقبوض به عقد فاسد نیز در زمره غصب وارد میشود و حال اینکه چه در عرف و چه در اصطلاح

این گونه پدیده‌های حقوقی خارج از قلمرو غصب می باشد . البته ناگفته نماند بسیاری از —

فقهای اسلامی اصولاً در مبحث غصب دارای چنین ممشا و مشربی هستند از جمله در —

بین شوافع معروف است که هر مضمونی برای دارنده آن مقصوب است .

فقیه بزرگوار علامه حلی رحمت الله علیه در تذکره بهمین نظر رفته و تصریح می کند که —

در تعریف غصب حاجت به قید عدوان نیست . ( ۳ )

وی میفرماید : اگر ائین مال امانت را بعد از خواستن صاحب مال به او پس ندهد ایمن

عمل غصب است . همچنین تعدی و تفریط را در مستودع وعین مرهونه غصب میدانند .

( ۱ ) لمعه شهید اول

( ۲ ) فتح القدیر جلد ۷ صفحه ۳۶۰

( ۳ ) تذکره علامه حلی جلد ۲ صفحه ۳۸۰

به نظر میرسد که این معنی گسترده تر از معانی اصطلاحی غضب است.

حاجی میرزا حبیب الله رشتی "رحمت الله علیه" معتقد است که در بسیاری اوقات

کلمه غضب بمعنی اسباب ضمان آور استعمال میشود. ( ۱ )

به نظر نگارنده نباید - هر مورد ضمان آور را غضب <sup>از آن</sup> غضب فعل

حرام است. دلائل کثیری بر حرمت آن از طریق کتاب، سنت اجماع، عقل صادر شده و

لکن در فقه اسلامی بسیاری از موارد ضمان آور موجب حرمت نیست به عنوان مثال کسی که

با حسن نیت مال مقصوب را از غاصب بدون علم به غصبی بودن آن خریداری می کند

اگرچه به حکم ضمان ایادی متعاقبه ضامن محسوب می شود اما مرتکب فعل حرام نشده

است.

بینیم فقهای عامه در این زمینه چه اظهار نظری فرموده اند.

در المجله غضب چنین تعریف شده: ( اخذ وضبط مال غیر بدون اذن ) أخذ

غاصب و مال مضبوط، مقصوب و صاحب مال مقصوب منه نامیده میشود. ( ۲ )

( ۱ ) کتاب الغصب <sup>تالیف</sup> حاج میرزا حبیب الله رشتی صفحه اول

( ۲ ) مجله الاحکام العدلیه

دکتر صحبی محمصانی معتقد است تعریف المجله منطبق با فقه حنفی نمی باشد زیرا فقهای حنفی غصب را تعریف کرده اند بازاله ید مالک محق و اثبات واستیلا ید

برمال مقوم محترم قابل نقل بدون اذن بر سبیل مجاهره . ( ۱ )

بنابر تعریف بالا تحقق<sup>غصب</sup> (متضمن د و شرط استیلا ید مالک ، دوم وضع واستیلا ید

ید غاصب برمال مقصوب چنانچه ابو حنیفه و ابو یوسف .

تحقق غصب را متوقف به این دو رکن نموده اند .

هم چنان محمد بن حسن یکی از مشایخ احناف معتقد است ازاله ید مالک در تحقق

غصب کافی است ضرورت ندارد اثبات یا استیلا ید غاصب برمال مقصوب . ( ۲ )

اما به نظر نگارنده استیلا ید یعنی مسلط شدن برمال غیریکی از شرایط تحقق غصب

است . بنابراین اگر کسی مالکی را از تصرف مالکانه آن مانع شود و خود تصرفی در مال

حاصل نکند به قرارتوای فقهای امامیه رضوان الله علیهم ، غاصب محسوب نمی شود اما

در مورد اتلاف و تسبیب ضامن است .

( ۱ ) قوانین فقه اسلامی ( النظریات العاقله للموجبات والعقود ) جلد اول صفحه ۲۳۹

( ۲ ) قوانین فقه اسلامی جلد اول صفحه ۲۳۹

حالا جواب شیخ محمد بن حسن رادربیان فقهای امامیه رضوان الله علیهم مطالعه

فرمائید: کثیری از فقهای امامیه رضوان الله علیهم معتقدند:

که غصب استیلا<sup>۱</sup> برحق غیراست به نحو عدوان (۱)

قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه تعریف فوق را گزیده و ذیل ماده ۳۰۸ —

چنین بیان میدارد ( غصب استیلا<sup>۲</sup> برحق غیراست به نحو عدوان )

اثبات ید برمال غیر بدون محوز هم در حکم غصب است.

علاوه سمنانی یکی از علمای معاصر در کتاب العلم المنصوب در بیان ماهیت غصب —

میفرماید: ( غصب عبارت است از اینکه شخصی خود را انفراداً یا اشتراکاً مانند مالک فرض —

کرده و خود را به جای او بنهد . (۲)

جمعی از فقهای امامیه معتقدند ( غصب استیلا<sup>۳</sup> برحق غیراست به نحو تعدی ) . (۳)

برخی معتقدند " غصب استیلا<sup>۴</sup> برحق غیراست بدون حق " . (۴)

(۱) کفایت الاخیار جلد اول ص ۱۸۲ ، الغصب میرزا حبیب الله رشتی ص ۲ ریاض

جلد ۲ ص ۲۹۱ ، وسیله جلد ۲ ص ۳۱۲ و الانصاف جلد ۶ ص ۲۲۱ فقه امامیه جواهر

الکلام جلد ۶ ص ۸۴ .

(۲) العلم المنصوب ص ۴

(۳) المغنی جلد ۵ ص ۱۹۸ تحفته الفقها جلد ۳ ص ۱۱۲۶ .

(۴) شرایع الاسلام ص ۴۰۴

و یا گروهی از فقهای امامیه عقیده دارند ( غصب عبارت از احتوا برمال غیر بدون

تراضی . ( ۱ )

ملاحظه شد که فقهای امامیه رضوان الله علیهم در تعریف غصب برکامه استیلاء —  
تاکید اکید نموده اند که ما شرح آنرا زیر عنوان استیلاء بیان میداریم که استیلاء و تسلط  
برمال غیر از شرایط اساسی تحقق غصب است .

البته فقهای عامه در رد استیلاء اتفاق ندارند ملاحظه فرمائید ماده ۸۸۱ المجله

را که بیان میدارد ( . . . . اخذ و قبض مال غیر بدون اذن ) .

هم چنان یکی از علمای معاصر احناف در تعریف غصب بیانی دارد که نظر شیخ محمد  
بن حسن را صریحاً رد میکند و باین عبارت غصب را تعریف می کند که : ( غصب گرفتن  
مال دیگری است بدون اذن و اجازه صاحب مال ) . ( ۲ )

گفتار دوم : اختلافات مذاهب در تعریف غصب

کثیری از فقهای امامیه رضوان الله علیهم در بیان تعریف غصب فرموده اند ( غصب

استیلاء برحق غیر است به نحو عدوان ) .

اما علمای احناف در تعریف غصب میفرمایند ( . . . . استیلاء بد برمال منقول محترم —

قابل نقل بدون اذن بر سبیل مجاهره ) تحقق غصب بنا بر مذاهب حنفی متضمن شرایطی

است که ذیلاً بیان میشود .

( ۱ ) الوسیله صفحه ۵۲۰

( ۲ ) رهنمای معاملات تالیف مولانا عبد الکریم حقانی صفحه ۸۸

اول ازاله ید مالک و دوم وضع استیلا<sup>۶</sup> ید غاصب بر مال منسوب و مال منسوب منقول و

مقوم باشد . بافقدان هر یک از این رکن غصب متحقق نمی شود .

پس از نظر فقهای احناف آنچه مالیت ندارد و منقول نیست حکم غصب در آن —

جاری نمی شود .

این نظر مخالفت دارد با نظر فقهای امامیه باین دلیل که اگر خمر مال کافر ذمی —

باشد تصرف در آن بدون مجوز قانون غصب است زیرا خمر و خنزیر متعلق به کافر ذمی

که در شرایع آنها حرام نیست برای آنها محترم و مقوم می باشد و غاصب و متلف آنها

ضامن است چنانچه شهید در شرح لمعه میفرماید : خمر کافریه شرح استناره محترم است

و غاصب آن ضامن می باشد اعم از اینکه غاصب کافر یا مسلمان باشد زیرا خمر منسوب —

به کافر مال است و جایز نیست مزاحمت او بر شرایع آنها برای خودشان معتبر است و خمر

که در مذ هب شان حلال و مقوم است پس مالیت وی برای خودشان محترم است .

لکن بمذ هب شافعی و ابن حنبل و اتباع مذ هب ظاهری . . . . .

خمر مطلقاً برای هیچ کسی مالیت ندارد . نقطه اختلاف دیگری بین فقه امامیه و احناف

بر این است که نزد احناف منافع مال نیست و غصب در منافع متحقق نمی شود اما نزد فقهای

امامیه غصب بر عین و منافع صادق است که شرح آن در فصول آینده تحت عنوان غصب —

منافع بیان میشود . همچنان نزد علمای احناف غصب بر اموال غیر منقول صحیح است و آنها

معتقدند که استیلا<sup>۶</sup> بر مال غیر منقول ممکن نیست اما غصب بر اموال غیر منقول در فقه امامیه

ثابت است که برای روشن شدن این حقیقت در فصول بعدی عنوانی داریم (غصب عقار)

که مطالعه خواهید فرمود " انشاء الله تعالی "